

نقش حوزه علمیه در اصلاح الگوی مصرف و ترویج سبک زندگی اسلامی

ستاره پرن

چکیده

سبک زندگی به مثابه الگوی نهادینه شده رفتار فردی و جمعی، یکی از مهم‌ترین عرصه‌های رویارویی جوامع اسلامی با جهان مدرن و به ویژه سبک زندگی سکولار غربی است. در این میان، حوزه‌های علمیه به عنوان نهادی ریشه‌دار در تولید معنا، ارزش و هنجار، نقش تعیین‌کننده‌ای در اصلاح الگوی مصرف و بازسازی سبک زندگی اسلامی دارند. مقاله حاضر با روش کتابخانه‌ای و با تکیه بر منابع دینی و اندیشه‌های اجتماعی - اسلامی، به تبیین مفهوم اصلاح و سبک زندگی پرداخته و سپس نقش حوزه علمیه را در سه سطح «عامل و فاعل ساختار اجتماعی»، «سازه‌های ساختار اجتماعی» و «قلمرو هدف و مقصد» بررسی می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که اصلاح سبک زندگی اسلامی نه از مسیر طرد مطلق سبک زندگی نوین، بلکه از طریق رویارویی فعال، شناسایی کاستی‌ها، بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و ارائه الگوی کارآمد اسلامی ممکن است.

کلیدواژه‌ها: حوزه علمیه، اصلاح، سبک زندگی اسلامی، الگوی مصرف، ساختار اجتماعی.

^۱. طلبه سطح دوم، حوزه علمیه فاطمه الزهرا، اسلام آباد غرب، کرمانشاه.

مقدمه

تحولات شتابان فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در جهان معاصر، به‌ویژه در پرتو گسترش رسانه‌ها، جهانی‌شدن و تغییر الگوهای تولید و مصرف، سبک زندگی جوامع مختلف را به‌طور عمیق تحت تأثیر قرار داده است. یکی از مهم‌ترین نمودهای این تحولات، دگرگونی در الگوی مصرف و شکل‌گیری شیوه‌های جدید زیست فردی و جمعی است که غالباً بر مبنای ارزش‌های سکولار، مصرف‌گرا و مادی‌محور سامان یافته‌اند. جوامع اسلامی نیز در این فرایند، ناگزیر با سبک‌های زندگی رقیب مواجه شده‌اند؛ سبک‌هایی که در بسیاری از موارد، هم‌سویی اندکی با مبانی ارزشی و هنجاری اسلام دارند و به‌تدریج می‌توانند هویت دینی و فرهنگی جامعه را با چالش مواجه سازند (گیدنز، ۱۳۹۰: ۶۷).

در چنین شرایطی، اصلاح الگوی مصرف و ترویج سبک زندگی اسلامی، به یکی از مسائل بنیادین و راهبردی در حوزه فرهنگ و اجتماع تبدیل شده است. سبک زندگی اسلامی، صرفاً مجموعه‌ای از توصیه‌های اخلاقی فردی یا احکام عبادی محدود نیست، بلکه نظامی منسجم از باورها، ارزش‌ها و کنش‌های اجتماعی را دربرمی‌گیرد که می‌تواند رفتارهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی انسان مسلمان را جهت‌دهی کند و میان دنیا و آخرت، تعادلی معنادار برقرار سازد (نصیری، ۱۳۹۴: ۴۱). ازاین‌رو، پرداختن به این موضوع، مستلزم نگاهی فراتر از سطح فردی و توجه به نقش نهادهای اجتماعی اثرگذار است.

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که در دهه‌های اخیر، مطالعات متعددی درباره مفهوم سبک زندگی اسلامی، الگوی مصرف و نسبت دین با حیات اجتماعی صورت گرفته است. بخشی از این پژوهش‌ها به تبیین نظری سبک زندگی اسلامی و تمایز آن از سبک زندگی غربی پرداخته و بر مبنای معرفتی و ارزشی آن تأکید کرده‌اند (باقری، ۱۳۹۳: ۷۶؛ شریعتی، ۱۳۸۸: ۵۲). گروهی دیگر، با رویکرد جامعه‌شناختی، به تحلیل نقش ساختارهای فرهنگی، سرمایه اجتماعی و میدان‌های قدرت در شکل‌گیری رفتارهای مصرفی

پرداخته‌اند (ساروخانی، ۱۳۹۲: ۱۴۵؛ بوردیو، ۱۳۸۰: ۱۱۲). همچنین در حوزه مطالعات دینی، آثار متعددی با تمرکز بر آموزه‌های قرآنی و روایی، مفاهیمی چون اعتدال، قناعت و پرهیز از اسراف را به‌عنوان مبانی اصلاح الگوی مصرف بررسی کرده‌اند (مطهری، ۱۳۷۹: ۲۰۱؛ جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۸۸).

با وجود این حجم از مطالعات، بررسی انتقادی پیشینه نشان می‌دهد که نقش نهادی حوزه علمیه در اصلاح الگوی مصرف و ترویج سبک زندگی اسلامی، کمتر به‌صورت نظام‌مند و ساختاری مورد توجه قرار گرفته است. در بسیاری از پژوهش‌ها، حوزه علمیه صرفاً به‌عنوان نهادی آموزشی یا تبلیغی معرفی شده و کارکرد آن در سطوح عمیق‌تر ساختار اجتماعی، از جمله تولید جهان‌بینی، سامان‌دهی سرمایه فرهنگی و جهت‌دهی به اهداف و مقاصد اجتماعی، مغفول مانده است (نصیری، ۱۳۹۴: ۵۹). این در حالی است که حوزه علمیه، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای مرجع دینی در جامعه اسلامی، ظرفیت بالایی در شکل‌دهی به نگرش‌ها، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری دارد.

بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که حوزه علمیه چگونه و در چه سطوحی می‌تواند در اصلاح الگوی مصرف و ترویج سبک زندگی اسلامی نقش‌آفرینی کند و این نقش‌آفرینی با چه الزامات و محدودیت‌هایی همراه است. صورت‌بندی این مسئله، از آن جهت اهمیت دارد که بدون تبیین دقیق جایگاه و کارکرد حوزه علمیه، برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی در حوزه سبک زندگی، با پراکندگی، سطحی‌نگری و کاهش اثربخشی مواجه خواهد شد.

هدف اصلی این پژوهش، تبیین نقش حوزه علمیه در اصلاح سبک زندگی اسلامی با تمرکز بر الگوی مصرف است. در این راستا، پژوهش می‌کوشد ضمن روشن‌ساختن مفاهیم اصلاح و سبک زندگی و تحلیل پیوند آن‌ها با ساختار اجتماعی، ابعاد و سطوح مختلف نقش‌آفرینی حوزه علمیه را شناسایی کند و خلأهای موجود در مطالعات پیشین را تا حد امکان پوشش دهد. نوآوری مقاله در آن است که نقش حوزه علمیه را نه‌تنها در سطح توصیه‌های اخلاقی یا فعالیت‌های تبلیغی، بلکه در سه سطح بنیادین ساختار اجتماعی شامل عامل و فاعل، سازه‌ها و هدف مورد تحلیل قرار می‌دهد و از این رهگذر، تصویری

جامع‌تر و واقع‌گرایانه‌تر از ظرفیت‌ها و چالش‌های این نهاد در اصلاح الگوی مصرف و ترویج سبک زندگی اسلامی ارائه می‌کند.

مفهوم‌شناسی اصلاح و سبک زندگی

۱. اصلاح

اصلاح در معنای اجتماعی و دینی، فرایندی تغییرزا و تکامل‌آفرین است که هدف آن بهبود وضعیت موجود و نزدیک‌کردن آن به وضعیت مطلوب است. اصلاح می‌تواند فراگیر یا محدود باشد و تمام یا بخشی از ابعاد حیات انسانی را دربرگیرد. آنچه اصلاح را از تغییرات سطحی متمایز می‌کند، برخورداری آن از پشتوانه نظری، جهت‌مندی ارزشی و هدفمندی است (مطهری، ۱۳۸۱: ۵۴).

نخستین مؤلفه اصلاح، اندیشه است. هر حرکت اصلاحی نیازمند نظریه و الگوی جایگزین است. تاریخ تحولات اجتماعی نشان می‌دهد که بدون تولید اندیشه، اصلاحات یا ناکام می‌مانند یا به نتایجی ناخواسته منتهی می‌شوند. اصلاحات دینی اروپا و نیز حرکتهای اصلاحی در جهان اسلام، مانند اندیشه‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی، نمونه‌هایی از تقدم اندیشه بر عمل اصلاحی هستند (حسینی، ۱۳۹۰: ۸۹).

دومین مؤلفه اصلاح، هم‌وزن‌سازی است. اصلاح زمانی محقق می‌شود که میان باورها، ارزش‌ها و ساختارهای اجتماعی هماهنگی ایجاد شود. در غیر این صورت، شکاف میان اعتقاد و عمل، به تضعیف سرمایه اجتماعی می‌انجامد. امام علی(ع) در نهج‌البلاغه، شایستگی حاکم را در توان اداره و آگاهی از فرمان الهی می‌داند که ناظر به همین اصل هماهنگی میان قدرت، مسئولیت و ارزش است (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷۳).

سومین مؤلفه اصلاح، تدریج و تدرج است. اصلاح، فرایندی زمان‌بر و مرحله‌ای است و بدون صبر، برنامه‌ریزی و مدیریت به ثمر نمی‌نشیند. تجربه اصلاحات اجتماعی نشان داده است که شتاب‌زدگی، اغلب به مقاومت اجتماعی و شکست اصلاح می‌انجامد (ساروخانی، ۱۳۹۲: ۱۲۱).

چهارمین مؤلفه اصلاح، هدف است. در اندیشه اسلامی، اصلاح در نهایت به تأمین حقوق انسان‌ها و جلب رضایت الهی منتهی می‌شود.

این هدف‌مندی، اصلاح را از تغییرات صرفاً ابزاری یا سیاسی متمایز می‌سازد (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

۲. مصرف

مصرف، در تعریف اقتصادی، بخشی از درآمد است که برای تأمین نیازها و تمایلات فردی به کار گرفته می‌شود، در حالی که بخش دیگر درآمد به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری اختصاص می‌یابد (قدیری، ۱۳۷۹: ۲۷۴). از نظر اسلام، مصرف تنها برای رفع نیازهای مادی انجام نمی‌شود، بلکه انگیزه‌های معنوی نیز در آن نقش دارند (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۱: ۲۸۶). بنابراین، ساختار مصرف مطلوب اسلامی، مصرف متعادل و متناسب با نیازها، همراه با قناعت و پرهیز از اسراف است (جمالی، ۱۳۸۵: ۹۰-۹۱).

۳. اصلاح الگوی مصرف

اصلاح الگوی مصرف به معنای تنظیم رفتارهای اقتصادی در جهت بهره‌وری مناسب از منابع و جلوگیری از اسراف و تبذیر است. در زبان عرب، «اصلاح» به معنای بازگرداندن چیزی به وضعیت مطلوب پس از فساد آن است و در اصطلاح اقتصادی، اصلاح الگوی مصرف به مجموعه اقداماتی گفته می‌شود که موجب بهینه‌سازی استفاده از منابع مالی، کالاها و انرژی می‌شود (لغتنامه دهخدا، ۱۳۸۳: ۴۵).

۴. سبک زندگی

سبک زندگی به الگوی نسبتاً پایدار رفتارهای فردی و جمعی اطلاق می‌شود که در بستر ساختار اجتماعی و در طول زمان شکل می‌گیرد. سبک زندگی، صرفاً انتخاب شخصی افراد نیست، بلکه متأثر از نظام ارزشی، هنجاری و فرهنگی جامعه است (گیدنز، ۱۳۹۰: ۹۸). سبک زندگی دارای دو لایه درهم‌تنیده است: لایه بیرونی و لایه درونی. لایه بیرونی، شامل رفتارهای عینی مانند مصرف، تولید، پوشاک، خوراک، روابط اجتماعی و شیوه زیست شهری است. لایه درونی، ناظر به جهان‌بینی، باورها و انگیزه‌های کنش انسانی است. تغییر پایدار در سبک زندگی، بدون توجه هم‌زمان به هر دو لایه، امکان‌پذیر نیست (باقری، ۱۳۹۳: ۷۶).

مصرف انرژی و منابع طبیعی

مصرف بی‌رویه انرژی و منابع طبیعی، آسیب جدی به توسعه پایدار وارد می‌کند (جمالی، ۱۳۸۵: ۱۲۸). داده‌ها نشان می‌دهد که میزان مصرف انرژی در ایران بسیار بالاتر از استانداردهای جهانی است. این وضعیت نه تنها منابع ملی را تهدید می‌کند، بلکه از امکان سرمایه‌گذاری در توسعه زیرساخت‌ها نیز می‌کاهد. بر این اساس، ترویج مصرف بهینه و فرهنگ صرفه‌جویی ضروری است.

نقش حوزه علمیه در اصلاح سبک زندگی

۱. نقش حوزه در عامل و فاعل ساختار اجتماعی (سرمایه فرهنگی)

بنیادی‌ترین نقش حوزه علمیه، تبیین و بازتولید جهان‌بینی اسلامی است. اسلام، جهانی را ترسیم می‌کند که در آن دنیا و آخرت در تعارض نیستند، بلکه مکمل یکدیگرند. این جهان‌بینی، ظرفیت تولید الگوی زیست دنیوی - اخروی را داراست؛ الگویی که هم پاسخ‌گوی نیازهای مادی انسان است و هم او را به تعالی معنوی رهنمون می‌سازد (مطهری، ۱۳۷۹: ۲۰۱).

حوزه علمیه، علاوه بر تبیین نظری این جهان‌بینی، باید آن را به زبان روز و متناسب با مسائل انسان معاصر بازخوانی کند. بدون این بازخوانی، فاصله میان معارف دینی و زیست واقعی مردم افزایش می‌یابد و سبک زندگی اسلامی کارآمدی خود را از دست می‌دهد (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۸۸).

۲. نقش حوزه در سازه‌های ساختار اجتماعی

در سطح سازه‌ها، حوزه علمیه مسئول تقویت سرمایه اجتماعی و معنوی جامعه است. این امر از طریق نهادینه‌سازی ارزش‌هایی چون صداقت، عدالت، قناعت و مسئولیت‌پذیری محقق می‌شود. در حوزه الگوی مصرف، آموزه‌های اسلامی با نفی اسراف و تأکید بر اعتدال، می‌توانند مبنای اصلاح رفتارهای اقتصادی قرار گیرند (قرآن کریم، اعراف: ۳۱).

حوزه همچنین باید از ایجاد انتظارات غیرواقعی در جامعه پرهیز کند؛ زیرا این انتظارات، به کاهش اعتماد اجتماعی و تضعیف سرمایه اجتماعی می‌انجامد. فاصله میان گفتار و رفتار نهادهای دینی، یکی از عوامل مهم کاهش اثرگذاری فرهنگی است (ساروخانی، ۱۳۹۲: ۱۷۸).

۳. نقش حوزه در قلمرو هدف و مقصد

در قلمرو هدف، حوزه علمیه وظیفه دارد نیازهای واقعی انسان معاصر را شناسایی و برای تحقق آنها راهکار ارائه دهد. علوم و فناوری‌های نوین، از بایسته‌های زندگی امروزند، اما نباید انسان را به ابزار آنها تبدیل کنند. از منظر اسلامی، علم و قدرت باید در خدمت انسان و ارزش‌های انسانی قرار گیرند (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۱۴۲).

افزون بر این، حوزه باید با ایجاد میل و تقاضای اجتماعی، پذیرش سبک زندگی اسلامی را به خواست عمومی بدل سازد. بدون ایجاد رغبت درونی، تحمیل الگوهای رفتاری نه تنها به اصلاح نمی‌انجامد، بلکه مقاومت اجتماعی ایجاد می‌کند (مطهری، ۱۳۸۱: ۹۷).

نتیجه‌گیری

اصلاح سبک زندگی اسلامی، فرایندی تدریجی، هدفمند و مبتنی بر رویارویی فعال با سبک زندگی نوین است. حوزه‌های علمیه، با ایفای نقش مؤثر در تولید جهان‌بینی، تقویت سرمایه اجتماعی و نهادینه‌سازی سرمایه معنوی، می‌توانند در اصلاح الگوی مصرف و بازسازی سبک زندگی اسلامی نقشی تعیین‌کننده ایفا کنند. این نقش‌آفرینی، زمانی به ثمر می‌نشیند که از نفی مطلق پرهیز شود و الگوی کارآمد اسلامی، بر پایه نیازهای واقعی انسان معاصر، ارائه گردد. اصلاح الگوی مصرف، علاوه بر ضرورت اقتصادی، یک مسئله فرهنگی و دینی نیز هست. سبک زندگی اسلامی بر قناعت، پرهیز از اسراف و مدیریت منابع تأکید دارد و حوزه‌های علمیه می‌توانند نقش مؤثری در نهادینه کردن این فرهنگ ایفا کنند. با توجه به خلأ موجود در ترویج مصرف بهینه و سبک زندگی اسلامی، حوزه‌های علمیه با ظرفیت‌های آموزشی، فرهنگی و تبلیغی خود می‌توانند به تولید محتوای بومی، اطلاع‌رسانی و هدایت جامعه به سمت مصرف مسئولانه کمک کنند.

نقش پژوهش و علم در این زمینه نیز قابل توجه است. انجمن‌های علمی و مراکز پژوهشی با انجام تحقیقات در حوزه اقتصاد شهری و مدیریت منابع، می‌توانند داده‌ها و راهکارهای عملیاتی برای اصلاح الگوی مصرف ارائه دهند. همکاری حوزه‌های علمیه با این نهادها می‌تواند به هم‌افزایی علمی و فرهنگی منجر شود و زمینه را برای اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و سبک زندگی اسلامی فراهم کند.

با توجه به اهمیت این موضوع، ایجاد کارگروه‌های مشترک بین حوزه‌های علمیه و انجمن‌های علمی می‌تواند بستری مناسب برای هماهنگی پژوهش، آموزش و فرهنگ‌سازی باشد. این اقدام نه تنها به بهینه‌سازی مصرف منابع کمک می‌کند، بلکه موجب ارتقای سطح آگاهی جامعه نسبت به اصول سبک زندگی اسلامی و تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی می‌گردد.

فهرست منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه، ترجمه و شرح: صبحی صالح، قم: دارالهجره، ۱۴۱۴ق.

- باقری، خسرو (۱۳۹۳). هویت دینی و سبک زندگی. تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی.

- بوردیو، پیر (۱۳۸۰). سرمایه فرهنگی و کنش اجتماعی (ترجمه مرتضی مردیها). تهران: نشر مرکز.

- جمالی، قربان (۱۳۸۵). تدبیر مشیت از دیدگاه آیات و روایات. قم: زمزم هدایت.

- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱). منزلت عقل در هندسه معرفت دینی. قم: نشر اسراء.

- حسینی، سیدمحمد (۱۳۹۰). جریان‌های اصلاح‌طلبی در جهان اسلام. فصلنامه مطالعات اسلامی، ۱۲(۲)، ۶۵-۹۸.

- حکیمی، سیدمحمد (۱۳۸۰). پدیده‌شناسی فقر و توسعه، ج ۲. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۱). سبک زندگی. تهران: دفتر حفظ و نشر آثار.

- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۱). مبانی اقتصاد اسلامی، ج ۱، تهران: سمت.

- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۵). لغتنامه دهخدا. تهران: انتشارات فرهنگستان.

- ساروخانی، باقر (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی تغییر اجتماعی. تهران: انتشارات سروش.

- سبحانی، جعفر (۱۳۸۵). منشور جاوید. قم: مؤسسه امام صادق(ع).

- شریعتی، علی (۱۳۸۸). بازگشت به خویشتن. تهران: حسینیه ارشاد.

- غفاری، احمد (۱۳۹۶). «نقش نهاد دین در اصلاح الگوی مصرف». پژوهش‌های فرهنگ اسلامی، ۸(۱)، ۲۳-۵۴.
- قدیری، باقر (۱۳۷۹). کلیات علم اقتصاد. تهران: مرکز نشر سپهر.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی (ترجمهٔ منوچهر صبور). تهران: نشر نی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). پیرامون انقلاب اسلامی. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۹). انسان و سرنوشت. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۱). آزادی معنوی. تهران: انتشارات صدرا.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۸۹). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
- نصیری، علی (۱۳۹۴). سبک زندگی اسلامی: مبانی و الزامات. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.